



Explaining the concept of abductive reasoning and its capacities and applications in psychological studies and counseling

G. Shariatzadeh Jonidi*^{ID}: PhD student in counseling, Tehran University International Campus, Tehran, Iran
A. Afshin^{ID}: M.A of Family Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Background and Aim: abductive reasoning is one of the methods of reasoning that, despite the fact that it has been criticized by many scientists and philosophers, today some consider its application useful in research. The purpose of this research was to explain the concept of abductive reasoning and its capacities and applications in psychological studies and counseling. **Methods:** The current research is a review and descriptive-analytical research article. Articles and books related to the application of abductive reasoning in research, especially psychology and counseling research, which were extracted from the databases of reliable scientific-research articles, were used. **Results:** A review of relevant sources shows that this method of reasoning can be a strong method for guessing scientific hypotheses. **Conclusion:** The use of abductive reasoning in making assumptions and conclusions for guesses can give more power to the conclusions, and if combined with the current common scientific methods, it can increase the power of explaining theories and conclusions.

Keywords: abductive reasoning, research method, psychological studies and counseling, psychology, counseling.

* Corresponding author
g.shariatzadeh@gmail.com

Received: 10.01.2023
Acceptance: 15.03.2023

Cite this article as:

Shariatzadeh Jonidi, G., & Afshin, A. (2023). Explaining the concept of abductive reasoning and its capacities and applications in psychological studies and counseling. *JARAC*, 5(1): 21-28.



© 2023 by the authors. Licensee Iran-Mehr ISSR, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



تبیین مفهوم استدلال استفه‌های و ظرفیت‌ها و کاربردهای آن در مطالعات روان‌شناختی و مشاوره

گل آرا شریعت زاده جنیدی*^{id}: دانشجوی دکتری مشاوره، پردیس بین‌المللی دانشگاه تهران، تهران، ایران

امین افشین^{id}: کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

<p>کلیدواژه‌ها: استدلال استفه‌های، روش پژوهش، مطالعات روان‌شناختی و مشاوره، روان‌شناسی، مشاوره.</p> <p>*نویسنده مسئول g.shariatzadeh@gmail.com</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴</p>	<p>زمینه و هدف: استدلال استفه‌های یکی از شیوه‌های استدلال است که با وجود این که مورد انتقادهای بسیاری از سوی دانشمندان و فلاسفه قرار گرفته است، امروزه برخی کاربرد آن را در پژوهش مفید می‌دانند. هدف از پژوهش حاضر تبیین مفهوم استدلال استفه‌های و ظرفیت‌ها و کاربردهای آن در مطالعات روان‌شناختی و مشاوره بود. روش پژوهش: پژوهش حاضر یک مقاله مروری و پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که در آن از مقالات و کتب مربوط به کاربرد و کاربرد استدلال استفه‌های در پژوهش، به خصوص پژوهش‌های روانشناسی و مشاوره، که از پایگاه‌های مقالات معتبر علمی-پژوهشی استخراج گردید، استفاده شد. یافته‌ها: مرور منابع مربوطه بیان گر آن است که این شیوه استدلال می‌تواند روشی قوی برای حدس فرضیات علمی باشد. نتیجه‌گیری: به کارگیری استدلال استفه‌های در ساخت فرضیات و نتیجه‌گیری برای حدس‌ها می‌تواند به نتیجه‌گیری‌ها قدرت بیشتری داده و نیز در صورت ترکیب با روش‌های علمی رایج کنونی می‌تواند قدرت تبیین نظریات و نتیجه‌گیری‌ها را بالا ببرد.</p>
---	--

شیوه استناد به این مقاله:

شریعت زاده جنیدی، گ، و افشین، ا. (۱۴۰۲). تبیین مفهوم استدلال استفه‌های و ظرفیت‌ها و کاربردهای آن در مطالعات روان‌شناختی و مشاوره. فصلنامه سنجش و پژوهش در مشاوره کاربردی، ۵ (۱ پیاپی ۱۵): ۲۸-۲۱.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 3.0 صورت گرفته است

طرفداران این نوع استدلال معمولاً معتقدند که پژوهش نباید از فرضیه آغاز گردد (Blaikie, ۲۰۰۰). در استدلال استفهامی، نظریه و پژوهش در هم تنیده و داده‌ها و تصورات نظری در فرآیندی تکوینی و خلاق توأماً پیش می‌روند. توالی‌های منظمی در آغاز با جریان پژوهش کشف شده و پژوهش‌گر را به طرح پرسش‌نما و جستجوی پاسخ‌ها ترغیب می‌نماید. پژوهش‌بدین شیوه گفتگویی میان داده‌ها و نظریه است که پژوهش‌گر میانجی یا مترجم این گفتگوست. داده‌ها در پرتوی نظریه‌ای در حال تکوین تفسیر و بازتفسیر می‌شوند. اگر تبیین رضایت بخش با اشباع نظری حاصل شد و پاسخ‌های متقاعدکننده‌ای به پرسش‌ها داده شد می‌توان آن را متوقف کرد و به فرآیند استدلال پایان داد (Blaikie, 2000).

در مطالعات روان‌شناسی به روش‌های تحقیق کیفی نسبت به سایر رشته‌ها توجه کمی شده است. با این وجود، این روش‌ها امروزه نظر روان‌شناسان را به خود جلب کرده به طوری که رویکردها و تکنیک‌های کیفی بسیاری را در پژوهش‌های خود به کار می‌گیرند. گرچه روش‌های کیفی در حال افزایش و متنوع‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن هرچه بیشتر هستند اما معمولاً روان‌شناسان در تحقیقات کیفی از روش استقرایی استفاده می‌کنند که هدف آن استدلال از داده‌ها برای توسعه مفاهیم و نظریات است که اغلب با نظریه داده‌بنیاد در ارتباط است (Haplin & Richard, 2021). از سوی دیگر، از آن‌جا که تحقیقات رشته روانشناسی بیش‌تر شامل تحقیقات کمی می‌باشد که از طریق استدلال قیاسی اجرا شده و طرح‌های آزمایشی اجرا می‌شوند، تحقیقات کیفی روانشناسی با پویایی‌های منحصر به فرد مواجه است (Schiff, 2019). در پرتوی این پویایی‌ها، هدف ما این است که با نشان دادن این که چگونه داده‌های کیفی می‌تواند به نظریات روان‌شناختی قدیمی و تثبیت‌شده‌ای که عمدتاً در زمینه‌های کمی و قیاسی به کار می‌روند، جایگاهی محکم برای تحلیل با استدلال استفهامی ایجاد کنیم (Haplin & Richard, 2021). در این رابطه، Haplin & Richard (2021) نشان دادند که استدلال استفهامی به طور مشابه چگونه در مطالعات جامعه‌شناختی به کار گرفته شده است (Haplin & Richard, 2021).

تجزیه و تحلیل از طریق استدلال استفهامی یک رویکرد تحلیل کیفی داده می‌باشد که هدف آن ایجاد بینش‌های نظری خلاقانه و بدیع از طریق دیالکتیکی از حساسیت نظری

آن‌ها ضروری نیست. ثانیاً، تجزیه و تحلیل استفهامی آغازگر هر دو شکل استدلال استقرایی و قیاسی بوده که ممکن است با ظهور یافته‌های غیرمعمول یا نابه‌انگار جدید تکرار شوند. در این‌جا، استقراء به دنبال تأیید تعمیم‌ها، الگوها، موارد پرت و مضامین برجسته در داده‌هاست؛ درحالی که استنتاج تحلیل مجدد داده‌های موجود یا دوره‌های جدید جمع‌آوری داده‌ها را پیشنهاد می‌کند (Timmermans & Tavory, 2012). به اکثر روان‌شناسان آموزش داده شده است که استدلال استقرایی و قیاسی دو نوع عمده استدلال مورد استفاده در پژوهش‌های علمی بوده و نوع دیگری از استدلال یعنی استدلال استفهامی معمولاً نادیده گرفته می‌شود. یک محدودیت جدی که این موضوع ایجاد کرده است آن است که منجر به شکست در تصدیق اهمیت استدلال تبیینی در این علم شده است که استدلال استفهامی می‌تواند در این باره کمک کننده باشد (Haig, 2008).

از این رو با توجه به این که به شیوه استدلال استفهامی در پژوهش، به خصوص در پژوهش‌های روانشناسی و مشاوره کم‌تر پرداخته شده است و با توجه به مطالبی که بیان شد، پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم استدلال استفهامی و ظرفیت‌ها و کاربردهای آن در مطالعات روان‌شناختی و مشاوره انجام شد.

روش پژوهش

در این پژوهش، روش پژوهش از نوع مروری بوده و یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کتب و مقالات موجود در پایگاه‌های معتبر علمی است که در مورد شیوه استدلال استفهامی در پژوهش منتشر شده است. همچنین، این مقالات باید به موضوع استدلال استفهامی در پژوهش و ترجیحاً در حوزه روش تحقیق روان‌شناسی پرداخته باشد. از این رو، پس از جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط ۶ مقاله علمی-پژوهشی و یک کتاب در این باب یافت شد که در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

در استدلال استفهامی در پژوهش نظریه می‌تواند صورت‌های متعددی داشته باشد. وقتی از این نوع راهبرد در پژوهش برای نظریه‌پردازی استفاده می‌شود فرضیه‌ها از شاکله‌های فرآیند مستمر گردآوری و تحلیل داده‌ها، مشاهده، تأمل و تفکر، فرضیه‌سازی و آزمون آزمون فرضیه‌ها هستند. با این وجود،

طرح پیشنهادی، در گام دوم از شیوه استدلال استفهامی استفاده می‌گردد

همچنین، Cramer-Peterson & Ahmed-Kristensen (2015) رویکردی تجربی برای تحقیقات استفهامی ترسیم کردند. در این راستا، آن‌ها استفهام را به صورت استفاده از اصل‌ها، قانون‌ها و نظریات موجود برای پیشنهاد یک تبیین علی و جستجوی جنبه‌های تولید ایده از طریق تجزیه و تحلیل تعریف کردند. از این رو، آن‌ها دریافتند که استدلال استفهامی به ساخت و پرداخت ایده‌ها و فرضیه‌های رادیکال‌تر منجر می‌شود (Koskela, Paavola, & Kroll, 2018).

استدلال استفهامی ابزاری را برای روانشناسان کیفی فراهم می‌آورد تا با استفاده از داده‌ها برای اطلاع‌رسانی، پالایش و بسط نظریات اصلی این رشته، پتانسیل داده‌های کیفی را بیش‌تر به کار گیرند (Haplin & Richard, 2021). به عبارتی، این ابزار باعث می‌شود که فرضیات به جای این که به صورت شهودی ارائه شوند، از طریق یک فرآیند مبتنی بر استدلال نتیجه‌گیری شده و ساخته شوند (Jacobs, 2009). در واقع، استدلال استفهامی نوعی از استدلال است که هم قابلیت تولید و هم ارزیابی فرضیات و نظریات تبیینی را داراست (Haig, 2008).

در استدلال استفهامی در پژوهش نظریه می‌تواند صورت‌های متعددی داشته باشد. وقتی از این نوع راهبرد در پژوهش برای نظریه‌پردازی استفاده می‌شود فرضیه‌ها از شاکله‌های فرآیند مستمر گردآوری و تحلیل داده‌ها، مشاهده، تأمل و تفکر، فرضیه‌سازی و آزمون آزمون فرضیه‌ها هستند. با این وجود، طرفداران این نوع استدلال معمولاً معتقدند که پژوهش نباید از فرضیه آغاز گردد (Blaikie, 2000). در استدلال استفهامی، نظریه و پژوهش در هم تنیده و داده‌ها و تصورات نظری در فرآیندی تکوینی و خلاق توأم پیش می‌روند. توالی‌های منظمی در آغاز با جریان پژوهش کشف شده و پژوهش‌گر را به طرح پرسش‌ها و جستجوی پاسخ‌ها ترغیب می‌نماید. پژوهش بدین شیوه گفتگویی میان داده‌ها و نظریه است که پژوهش‌گر میانجی یا مترجم این گفتگوست. داده‌ها در پرتوی نظریه‌ای در حال تکوین تفسیر و بازتفسیر می‌شوند. اگر تبیین رضایت بخش با اشباع نظری حاصل شد و پاسخ‌های متقاعد کننده‌ای به پرسش‌ها داده شد می‌توان آن را متوقف کرد و به فرآیند استدلال پایان داد (Blaikie, 2000).

جمع شده و اکتشافات روش‌شناختی است (Timmermans & Tavory, 2012). این روش استدلال در پژوهش تأکید می‌کند که به جای کنار گذاشتن تمام ایده‌های نظری از پیش تعیین شده در طول پروژه تحقیقاتی، پژوهش‌گران باید با عمیق‌ترین و گسترده‌ترین پایگاه نظری ممکن وارد میدان شده و مجموعه نظریات خود را در طول فرآیند پژوهش توسعه دهند. ارتباط نظری به قیاس محدود نمی‌شود بلکه با نوشته‌های نظری دور و نزدیک که بینش‌های بدیع را القا می‌کند، شکوفا می‌شود. در واقع، از طریق رویکرد استفهامی به جای نظریاتی که از داده‌ها پدید می‌آید، مفاهیم جدیدی برای توضیح مواد تجربی گنج‌کننده و مبهم توسعه می‌یابد (Timmermans & Tavory, 2012).

March (۱۹۶۷) پیشنهاد می‌کند که استدلال استفهامی که وی آن را «استدلال سازنده» نامید، یک روش کلیدی در طراحی پژوهش است. او همچنین به سردرگمی و سوءتفاهم ایجاد شده از عدم تمایز بین فرضیه‌های علمی و طرح‌ها و نیز میان گزاره‌های منطقی و طرح‌های پیشنهادی اشاره می‌کند. March (1967) عنوان می‌کند که درحالی که هدف علم ایجاد قوانین کلی است، طراحی پژوهش به تحقق یک نتیجه خاص مربوط می‌شود. الگوی مبتنی بر استدلال استفهامی که مارش پیشنهاد می‌کند این است: یک طرح از ویژگی‌های خاصی که به دنبال آن می‌گردیم و بر اساس دانش قبلی ما و مدل‌های احتمالی ارائه می‌شود. وی یک چرخه فرآیند سه مرحله‌ای را در طراحی طرح‌های تحقیقاتی ارائه می‌کند که شبیه به نظریه اولی پیرس در مورد استدلال استفهامی است. از این رو، March (1967) معتقد است که طراحی عقلانی سه وظیفه دارد: ساخت یک ترکیب بدیع به عنوان برآیند استدلال استفهامی؛ پیش‌بینی ویژگی‌ها بر اساس استدلال قیاسی؛ جمع کردن مفاهیم رایج و ارزش‌های تثبیت شده از طریق استقراء (March, 1967).

Takeda (1990) یک مدل شناختی از فرآیند طرح تحقیق را ارائه می‌دهد که از پنج گام تشکیل شده است: (۱) شناسایی مشکلات از طریق مقایسه موضوع طرح با مشخصات فنی لازم؛ (۲) پیشنهاد مفاهیم کلیدی برای حل مشکلات؛ (۳) توسعه راه‌حل‌های احتمالی با استفاده از مفاهیم کلیدی و دانش طراحی؛ (۴) ارزیابی جهت تأیید یا رد راه‌حل‌های پیشنهاد شده؛ (۵) نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری در مورد این که کدام یک از راه‌حل‌ها انتخاب شوند (Takeda, 1990). در

مارش (۱۹۶۷) پیشنهاد می‌کند که استدلال استفهامی که وی آن را «استدلال سازنده» نامید، یک روش کلیدی در طراحی پژوهش است. او همچنین به سردرگمی و سوءتفاهم ایجاد شده از عدم تمایز بین فرضیه‌های علمی و طرح‌ها و نیز میان گزاره‌های منطقی و طرح‌های پیشنهادی اشاره می‌کند. March (۱۹۶۷) عنوان می‌کند که درحالی که هدف علم ایجاد قوانین کلی است، طراحی پژوهش به تحقق یک نتیجه خاص مربوط می‌شود. الگوی مبتنی بر استدلال استفهامی که مارش پیشنهاد می‌کند این است: یک طرح از ویژگی‌های خاصی که به دنبال آن می‌گردیم و بر اساس دانش قبلی ما و مدل‌های احتمالی ارائه می‌شود. وی یک چرخه فرآیند سه مرحله‌ای را در طراحی طرح‌های تحقیقاتی ارائه می‌کند که شبیه به نظریه اولی پیرس در مورد استدلال استفهامی است. از این رو، March (۱۹۶۷) معتقد است که طراحی عقلانی سه وظیفه دارد: ساخت یک ترکیب بدیع به عنوان برآیند استدلال استفهامی؛ پیش‌بینی ویژگی‌ها بر اساس استدلال قیاسی؛ جمع کردن مفاهیم رایج و ارزش‌های تثبیت شده از طریق استقراء (March, 1967).

Takeda (1990) یک مدل شناختی از فرآیند طرح تحقیق را ارائه می‌دهد که از پنج گام تشکیل شده است: (۱) شناسایی مشکلات از طریق مقایسه موضوع طرح با مشخصات فنی لازم؛ (۲) پیشنهاد مفاهیم کلیدی برای حل مشکلات؛ (۳) توسعه راه‌حل‌های احتمالی با استفاده از مفاهیم کلیدی و دانش طراحی؛ (۴) ارزیابی جهت تأیید یا رد راه‌حل‌های پیشنهاد شده؛ (۵) نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری در مورد این که کدام یک از راه‌حل‌ها انتخاب شوند (Takeda, 1990). در طرح پیشنهادی، در گام دوم از شیوه استدلال استفهامی استفاده می‌گردد.

همچنین، Cramer-Peterson & Ahmed-Kristensen (2015) رویکردی تجربی برای تحقیقات استفهامی ترسیم کردند. در این راستا، آن‌ها استفهام را به صورت استفاده از اصل‌ها، قانون‌ها و نظریات موجود برای پیشنهاد یک تبیین علی و جستجوی جنبه‌های تولید ایده از طریق تجزیه و تحلیل تعریف کردند. از این رو، آن‌ها دریافتند که استدلال استفهامی به ساخت و پرداخت ایده‌ها و فرضیه‌های رادیکال‌تر منجر می‌شود (Koskela, Paavola & Kroll, 2018).

استدلال استفهامی ابزاری را برای روان‌شناسان کیفی فراهم می‌آورد تا با استفاده از داده‌ها برای اطلاع‌رسانی، پالایش و بسط نظریات اصلی این رشته، پتانسیل داده‌های کیفی را

در مطالعات روان‌شناسی به روش‌های تحقیق کیفی نسبت به سایر رشته‌ها توجه کمی شده است. با این وجود، این روش‌ها امروزه نظر روان‌شناسان را به خود جلب کرده به طوری که رویکردها و تکنیک‌های کیفی بسیاری را در پژوهش‌های خود به کار می‌گیرند. گرچه روش‌های کیفی در حال افزایش و متنوع‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن هرچه بیشتر هستند اما معمولاً روان‌شناسان در تحقیقات کیفی از روش استقرایی استفاده می‌کنند که هدف آن استدلال از داده‌ها برای توسعه مفاهیم و نظریات است که اغلب با نظریه داده‌بنیاد در ارتباط است (Haplin & Richard, 2021). از سوی دیگر، از آن‌جا که تحقیقات رشته روان‌شناسی بیش‌تر شامل تحقیقات کمی می‌باشد که از طریق استدلال قیاسی اجرا شده و طرح‌های آزمایشی اجرا می‌شوند، تحقیقات کیفی روان‌شناسی با پویایی‌های منحصر به فرد مواجه است (Schiff, 2019). در پرتوی این پویایی‌ها، هدف ما این است که با نشان دادن این که چگونه داده‌های کیفی می‌تواند به نظریات روان‌شناختی قدیمی و تثبیت‌شده‌ای که عمدتاً در زمینه‌های کمی و قیاسی به کار می‌روند، جایگاهی محکم برای تحلیل با استدلال استفهامی ایجاد کنیم (Haplin & Richard, 2021). در این رابطه، Haplin & Richard (2021) نشان دادند که استدلال استفهامی به طور مشابه چگونه در مطالعات جامعه‌شناختی به کار گرفته شده است (Haplin & Richard, 2021).

تجزیه و تحلیل از طریق استدلال استفهامی یک رویکرد تحلیل کیفی داده می‌باشد که هدف آن ایجاد بینش‌های نظری خلاقانه و بدیع از طریق دیالکتیکی از حساسیت نظری جمع شده و اکتشافات روش‌شناختی است (Timmermans & Tavory, 2012). این روش استدلال در پژوهش تأکید می‌کند که به جای کنار گذاشتن تمام ایده‌های نظری از پیش تعیین شده در طول پروژه تحقیقاتی، پژوهش‌گران باید با عمیق‌ترین و گسترده‌ترین پایگاه نظری ممکن وارد میدان شده و مجموعه نظریات خود را در طول فرآیند پژوهش توسعه دهند. ارتباط نظری به قیاس محدود نمی‌شود بلکه با نوشته‌های نظری دور و نزدیک که بینش‌های بدیع را القا می‌کند، شکوفا می‌شود. درواقع، از طریق رویکرد استفهامی به جای نظریاتی که از داده‌ها پدید می‌آید، مفاهیم جدیدی برای توضیح مواد تجربی گنج‌کننده و مبهم توسعه می‌یابد (Timmermans & Tavory, 2012).

کمک می‌کند که یافته‌ها برای جامعه دانشگاهی به شکل گسترده‌تری برجسته بماند (Haplin & Richard, 2021). استدلال استفهامی وسیله‌ای ایده‌آل برای پیوند تحقیقات کمی و کیفی روانشناختی است. درحالی که یافته‌های کیفی به خودی خود مهم هستند، روش استفهامی می‌تواند تعامل میان شکاف‌های روش‌شناختی را تسهیل کند. به عنوان مثال، پژوهش‌گران کمی یا کیفی می‌توانند یافته‌های یک مقاله را با استفاده از طرح آزمایشی یا مصاحبه‌های عمیق مجدداً بررسی کنند. در این رابطه، تجزیه و تحلیل استفهامی همچنین بر جنبه مشارکتی پژوهش، بدون توجه به شیوه استدلال تأکید می‌کند (Haplin & Richard, 2021) که می‌تواند به تسهیل گسترش بیش‌تر نظریات و یافته‌ها کمک کند. همچنین، اهمیت مفاهیم استخراج شده از طریق استدلال استفهامی آن است که به کارگیری این شیوه در روش‌شناسی تحقیقات روانشناسی و مشاوره به علت بدیع بودن می‌تواند منجر به پیدایش فرضیات و ایده‌های نو شود. به عبارتی دیگر، به کارگیری رویکرد استفهامی می‌تواند معانی و مدل‌های جدیدی را برای بحث و تبیین ارائه نماید (Koskela, Paavola & Kroll, 2018). از این رو، با توجه آن چه ذکر شد، به کارگیری استدلال استفهامی در پژوهش‌های روانشناختی و مشاوره نه تنها فقط امری مثبت در جهت گسترش علم نیست؛ بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. لذا پیشنهاد می‌گردد این شیوه استدلال در موارد زیر به کار گرفته شود و توجه بیش‌تری به آن گردد: تولید و ارزیابی فرضیات، تولید و ارزیابی نظریات، طراحی و اجرای روش تحقیق. همچنین پیشنهاد می‌گردد به طور ویژه در پژوهش‌های کیفی-کمی روش استفهامی به عنوان یک گام میان مرحله کیفی و مرحله کمی پژوهش لحاظ گردد.

موازین اخلاقی

در تمام مراحل نگارش مقاله حاضر سعی شد اصول اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

سپاسگزاری

از همه افراد شرکت‌کننده در پژوهش و همه افرادی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

بیش‌تر به کار گیرند (Haplin & Richard, 2021). به عبارتی، این ابزار باعث می‌شود که فرضیات به جای این که به صورت شهودی ارائه شوند، از طریق یک فرآیند مبتنی بر استدلال نتیجه‌گیری شده و ساخته شوند (Jacobs, 2009). در واقع، استدلال استفهامی نوعی از استدلال است که هم قابلیت تولید و هم ارزیابی فرضیات و نظریات تبیینی را داراست (Haig, 2008).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تبیین مفهوم استدلال استفهامی و ظرفیت‌ها و کاربردهای آن در مطالعات روان‌شناختی و مشاوره بود. از این رو ابتدا به مفهوم استدلال استفهامی و تفاوت آن را سایر انواع استدلال پرداخته شد و ویژگی‌های استدلال استفهامی به طور خلاصه شرح داده شد. سپس کاربرد این نوع استدلال و کاربردهای آن در پژوهش‌های روان‌شناسی به بحث گذاشته شد. تأکید پیرس در صورت‌بندی استدلال استفهامی بر ساختن فرضیه بود (Torasso et al., 1995). با این که درستی یا نادرستی یک فرضیه از طریق استدلال استنتاجی یا استقرایی مشخص شود اما مهم‌تر از این خود فرآیند ساخت فرضیه است که به طور خودکار اتفاق نمی‌افتد. از این رو پیرس معتقد است که باید دلیلی پشت حدسی که از طریق استدلال استفهامی زده می‌شود وجود داشته باشد و برای او این امر مستلزم کنترل عقلانی این فرآیند توسط دانشمند بود (Roth, 1998). استدلال استفهامی با تأکید بر اتصال داده‌ها به نظریه، پلی بین روانشناسی کیفی و کمی ایجاد می‌کند. شیوه استفهامی با سایر روش‌های کیفی می‌تواند با اصلاح و بسط نظریاتی که معمولاً به تحقیقات کمی محدود شده‌اند نقشی اساسی در علم روان‌شناسی ایفا کنند (Haplin & Richard, 2021). جذابیت تجزیه و تحلیل از طریق استدلال استفهامی در پژوهش این است که دقیقاً از طریق درگیری مضاعف با نظریات موجود و مراحل روش‌شناختی دقیق، نوآوری‌های نظری را برمی‌انگیزد (Timmermans & Tavory, 2012). روش استفهامی مانند سایر رویکردهای کیفی با داده‌ها شروع شده و تأثیر محدودکننده مفروضات پیشینه نظری تثبیت شده را کاهش می‌دهد. با این حال، روش استفهامی همچنین محققان را تشویق می‌کند که یافته‌های جدید را به نظریه مرتبط کنند. در نتیجه روش استفهامی تعمیم‌پذیری مفهومی را تسهیل نموده و کاربرد بینش‌های کیفی را نشان می‌دهد و

References

- Agar, M. (2006). An ethnography by any other name... In Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research, 7(4). [\[Link\]](#)
- Blaikie, N. (2000). Designing social research. Cambridge: Polity Press. [\[Link\]](#)
- Haig, B. D. (2008). Scientific method, abduction, and clinical reasoning. Journal of Clinical Psychology, 64(9), 1013-1018. [\[Link\]](#)
- Halpin, M., & Richard, N. (2021). An invitation to analytic abduction. Methods in Psychology, 5, 100052. [\[Link\]](#)
- Jacobs, D. M. (2009). A brief history of abduction research. Journal of Scientific Exploration, 23(1), 69. [\[Link\]](#)
- Koskela, L., Paavola, S., & Kroll, E. (2018). The role of abduction in production of new ideas in design. Advancements in the Philosophy of Design, 153-183. [\[Link\]](#)
- Ladyman, J. (2002). Understanding Philosophy of Science, Routledge: London & New York. [\[Link\]](#)
- March, L. (1976). The logic of design and the question of value. In L. March (Ed.), The architecture of form (pp. 1-40). Cambridge: Cambridge University Press. [\[Link\]](#)
- Plutynski, A. (2011). Four problems of abduction: A brief history. HOPOS: The Journal of the International Society for the History of Philosophy of Science, 1(2), 227-248. [\[Link\]](#)
- Roth, R. J. (1988). Anderson on Peirce's concept of abduction: further reflections. Transactions of the Charles S. Peirce Society, 24(1), 131-139. [\[Link\]](#)
- Schiff, B., (2019). Introduction: situating qualitative methods in psychological science. In: Schiff, B. (Ed.), Situating Qualitative Methods in Psychological Science. Routledge, New York, NY, pp. 1-14. [\[Link\]](#)
- Takeda, H. (1994). Abduction for design. In J. S. Gero, & E., Tyugu (Eds.) Formal design methods for CAD (pp. 221-244). Amsterdam: NorthHolland. [\[Link\]](#)
- Timmermans, S., & Tavory, I. (2012). Theory construction in qualitative research: From grounded theory to abductive analysis. Sociological theory, 30(3), 167-186. [\[Link\]](#)
- Torasso, P., Console, L., Portinale, L., & Dupré, D. T. (1995). On the role of abduction. ACM Computing Surveys (CSUR), 27(3), 353-355. [\[Link\]](#)